

مشارکت اجتماعی آگاهانه و امنیت اجتماعی

محمد شاه محمدی^۱

سید علی مرتضویان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۴

چکیده

نظم و امنیت از شاخص‌های اساسی رفاه انسان‌ها محسوب می‌شوند و چرخ‌های رشد و تعالی جامعه و افراد آن در گرو تامین این نیاز اساسی است. در این پژوهش سعی شده است با بررسی رابطه مشارکت اجتماعی (به عنوان عنصری اجتماعی) و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی به راهکارهایی برای ارتقاء این مهم دست یابیم.

روش تحقیق حاضر پیمایشی بوده و شهروندان تهرانی بالای ۳۰ سال ساکن در ۲۲ منطقه تهران، جامعه آماری آن را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است و ابزار گردآوری اطلاعات این تحقیق پرسشنامه بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احساس امنیت از حیث سن و تحصیلات متفاوت است. سن و احساس امنیت رابطه مثبت اما تحصیلات و احساس امنیت رابطه منفی با یکدیگر دارند. اما در میان زنان و مردان تفاوت معنا داری در احساس امنیت دیده نشد. همچنین رابطه مثبتی میان مشارکت و احساس امنیت برقرار است. با ارتقاء مشارکت اجتماعی می‌توان بر امنیت اجتماعی افزود. با توجه به همبستگی نسبتاً قوی میان مشارکت نهادی و احساس امنیت، می‌توان با بهبود عملکرد نهادها و جلوگیری از جرایم نرم افزاری درون سازمان‌ها به ویژه سازمان‌هایی که متولی برقراری نظم اجتماعی هستند، همچنین با کار فرهنگی تربیتی در زمینه افزایش مشارکت اجتماعی، به افزایش امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی و توسعه یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت فکری، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی

^۱ - دانش آموخته رشته علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه و بیان مسئله:

مشارکت مردمی در تأمین امنیت اجتماعی از مسائل جدید و تازه ای است که در چند سال اخیر توجه بیشتری به آن می شود. مسئولان به این نتیجه رسیده اند، امنیت شهر بدون در نظر گرفتن مردم کاری بس دشوار و ناموفق خواهد بود و عدم رضایت شهروندان ریشه در برقراری مطلوب امنیت، متناسب با مطالبات شهروندان است.

براین اساس؛ شهروندان باید به آنچه بر امنیت اجتماعی اثر می گذارد، آگاهی پیدا کرده به موازات تغییر در عرصه های مختلف زندگی با مسائل و معضلات اجتماعی، با نگاهی علمی و همه جانبه برخورد کنند. در این راستا؛ آنچه به صورت یک حقیقت ناخوشایند رخ می نماید، گسترش و تنوع بیش از پیش جرم و جنایت از بین رفتن ارزش ها و هر آنچه به هویت ارتباط دارد است که باعث ایجاد حس ناامنی و ترس در بین شهروندان می گردد. بنابراین؛ زمینه های مشارکت شهروندان در تمام حوزه های اجتماعی از جمله؛ سیاست گذاری ها و اجرای برنامه های خرد و کلان، نقش اساسی در ایجاد نظم و امنیت اجتماعی دارد.

امروزه، مسائل بی شماری در جامعه وجود دارند که به عنوان دغدغه اصلی شهروندان، سلامت در زندگی و موضوعاتی نظیر «ناهنجاری های اجتماعی»، «وندالیسم»، «حاشیه نشینی» و... جامعه را مورد تهدید قرار می دهند. مهم ترین موضوعات و مسائل اجتماعی در حوزه سلامت اجتماعی «گسترش آسیب های اجتماعی و جرائم» هستند.

توجه به این مسائل از یکسو نیازمند مشارکت عمومی و از سوی موضوع مورد بحث، ارتباط ناگسستنی با امنیت اجتماعی دارد که بر نقش و احساس مسئولیت کلیه دستگاه ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی و نیز شهروندان تأکید دارد. در این میان نقش شهروندان نیز در جهت حفظ امنیت عمومی حائز اهمیت فراوان است. افزایش مشارکت مردمی در مسیر دستیابی به امنیت مطلوب اجتماعی، فرآیندی است که توسعه سلامت جامعه را تضمین می کند و این امر نیازمند فرهنگ سازی و انجام اقدامات علمی و پژوهشی و نیز ظرفیت سازی و مبادله تجربیات ارزشمند سازمان های دولتی و غیردولتی است. بنابراین؛ در این پژوهش به دنبال سنجش تأثیرگذاری حضور پررنگ شهروندان در تأمین و حفظ امنیت اجتماعی می باشیم.

امنیت اجتماعی یکی از عناصر اساسی حیات انسان هاست. شاید بتوان گفت دو رکن اصلی تأمین امنیت اجتماعی میان انسان ها، تأسیس دولت و وفاق اجتماعی است. دولت کارآمد و توانمند

می‌تواند با بسیج منابع، اطمینان، آرامش و امنیت را میان انسان‌ها برقرار کند. بر این اساس امنیت اجتماعی جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از سوگیری تهدیدات نسبت به شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد. (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۳)

از نظر بیشتر مکاتب سیاسی، تأمین امنیت مردم مهم‌ترین مسئولیت حاکمیت‌ها محسوب می‌شود. اما در پاسخ به سه سؤال اساسی یعنی: امنیت برای چه کسی؟ امنیت در مقابل چه تهدیدی؟ و چگونگی تأمین امنیت؟ بین مکاتب مذکور، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از مکاتب تأکید بر امنیت دولت دارند. گروهی دیگر امنیت جامعه و تعدادی نیز امنیت فردی را اصل گرفته و مهم می‌دانند؛ بدیهی است که وجود این دیدگاه‌ها و تعابیر متفاوت از مفهوم امنیت، نشانگر پیچیدگی و حساسیت موضوع است.

مفهوم societal security که در زبان فارسی به معادل‌های گوناگونی مانند امنیت اجتماعی شده، امنیت جامعه‌گی، امنیت جامعه‌ای، امنیت جامعه‌گانی، امنیت جامعه‌ای و امنیت اجتماعی ترجمه شده است؛ بدین پرسش پاسخ می‌دهد که امنیت اجتماعی در مقابل چه چیزی ۱؟ و چگونه در معرض خطر قرار می‌گیرد و مهم‌تر از آن دو این که در امنیت اجتماعی مرجع ۲، موضوع ۳ و محور امنیت چیست؟

به بیان دیگر، امنیت، کنشی اجتماعی است که در بستر جامعه معنا و مفهوم می‌یابد. بنابراین، جوهره اجتماعی امنیت و زمینه‌مندی آن، عرصه تازه‌ای را ایجاد می‌کند که در آن معنای امنیت از بطن جامعه استخراج می‌شود.

به‌زعم برخی از اندیشمندان، امنیت اجتماعی زمانی مطرح شد که منابع و فرصت‌های اقدام جامعه در مقابل دولت افزایش و ظرفیت دولت برای مهار قدرت جامعه کاهش یافت. توانمند شدن جامعه در مقابل دولت دلایل مختلف فنی (مانند پدیده اینترنت)، سیاسی (مانند مهم شدن حق رأی)، فرهنگی (مانند حساس شدن گروه‌ها نسبت به هویت متمایز خود)، اقتصادی (مانند فرهنگ مصرف) و مدیریتی (در پی ناکارآمدی دولت‌ها در اداره امور) داشته است. همچنین در پی افزایش مهاجرت (اجباری یا اختیاری در داخل کشور یا خارج از مرزها)، مسافرت (افزایش توریسم) و

1. security from what?

2. referent

3. object

تجارت (بین قطب‌های تولید و مصرف)، نوع و میزان آشنایی‌ها افزایش پیدا کرده و افراد جامعه نسبت به مشابهت‌ها و تفاوت‌های خودآگاهی فرایندهای یافته‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۸ - ۱۷)

وقتی که افراد و گروه‌ها جامعه متوجه خصایص خود شدند و نسبت به صیانت و گسترش این ویژگی (حرفه‌ای، قومی، دینی، مذهبی و جنسیتی) خود مبادرت ورزیدند و سطوح مختلف امنیت مانند امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌الملل موضوعیت یافت. منبع، مرجع و ابزار تهدید هر کدام از سطوح ذکر شده هرچند ممکن است همپوشانی داشته باشد، لیکن متفاوت است. امنیت اجتماعی حداقل و خط واصل بین امنیت فردی و ملی، موضوعیت و اهمیت برجسته‌ای یافته و اصولاً پرسشی را طرح می‌کند که هم بر سطح فردی امنیت تأثیر می‌گذارد و هم سطح ملی امنیت را متأثر می‌سازد. امنیت اجتماعی درصدد تبیین و تحلیل مخاطراتی است که به‌صورت عمده یا طبیعی، هستی و یا بالندگی یک گروه اجتماعی را هدف قرار می‌دهد.

غالب اندیشمندان موضوع یا مرجع اصلی امنیت اجتماعی، را ارزش‌های سنتی و از پیش موجود گروه‌های اجتماعی می‌دانند (ویور، ۱۹۹۳: ۱۰). این ارزش‌های سنتی مانند عقاید دینی، زبان و نوع پوشاک، در مجموع «هویت» گروه‌های مختلف را تشکیل می‌دهند. از این منظر، تصریح می‌شود که دولت، یگانه مرجع امنیت نیست، چه بسا هیچ تهدیدی تشکیلات دولتی و رسمی را تهدید نکند، اما درعین حال گروه‌های مختلف جامعه از هم‌گسیخته شوند و جلوه‌هایی از نارضایتی در قالب اعتراض، اعتیاد، بی‌اعتمادی، جنایت‌های سازمان‌یافته و یا موردی پشتوانه اجتماعی دولت را فرسوده کنند. برخورداری از اهمیت برابر (با دولت) یکی از مسائل مورد تأکید در امنیت اجتماعی است.

واحد تحلیل امنیت اجتماعی، هویت‌ها یا هویت اجتماعی است و حفظ هویت در سطح ملی، قومی و مذهبی موردنظر است. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۲) از آنجایی که امنیت اجتماعی معطوف به گروه‌های فروملی، در سطح ملی یا فراملی است، تهدیدات امنیت اجتماعی نیز به همین نسبت می‌تواند در سطح داخلی، ملی یا فراملی مطرح باشند.

از نظر پاتنام شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی شامل موارد ذیل است: ۱- میزان مشارکت در امور اجتماع محلی و زندگی سازمانی ۲- مشارکت در امور عمومی (مثل رأی دادن) ۳- رفتار داوطلبانه ۴- فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی (مثل دیدار دوستان) و ۵- سطح اعتماد بین افراد.

بدین ترتیب شاخص‌های او دارای دو عامل اساسی است: مشارکت انجمنی و اعتماد. (شارع پور:

۱۳۸۵)

اولی و یور ۱ برای اولین بار واژه «امنیت اجتماعی» را به کار برده و قصد خود را از بیان آن چنین توضیح می‌دهد که امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدها واقعی و محتمل تعریف می‌شود. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جست‌وجو می‌کند. (نوبدینیا،

۱۳۸۲: ۶۲)

بنابراین محقق در این پژوهش تلاش خواهد کرد نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید.

بیان مسئله

جامعه به مثابه یک واقعیت پیچیده، در ابعاد مختلف دارای خصیصه‌ها، توانمندی‌ها، مشکلات و تنگناهای متعدد و متنوعی است. خشونت و بزهکاری از جمله مسائل و مشکلات اکثر جوامع امروز است. مسئله‌ای که بشر با همه قدرت، مهارت و ابتکار خود، هنوز نتوانسته است در مبارزه با آن پیروز شود و از میزان و انواع مختلف آن بکاهد. صرف‌نظر از مکان وقوع آن‌ها علاوه بر به مخاطره انداختن امنیت عمومی جوامع انسانی و جریحه‌دار کردن افکار عمومی شهروندان به‌خصوص کسانی که از آن آسیب دیده‌اند در برخی موارد به سرمایه‌های انسانی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌نماید. آنچه مسلم است میزان جرائم به‌اندازه و درجه رشد شهر ارتباط دارد و به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرائم نیز افزایش می‌یابد.

در این راستا؛ برقراری، حفظ و نگهداشت امنیت در جامعه نیازمند مشارکت فعال شهروندان است. چرا که امنیت یک تولید جمعی است و امنیت اجتماعی نیازمند مشارکت جدی و فعال شهروندان است. بر این باوریم، بروز خشونت به میزان زیادی ریشه در فقدان راه‌های مختلف مشارکتی دارد که منجر به تراکم نارضایتی و در نهایت توسل به ابزارهای خشن می‌شود. در نتیجه؛ اگر کل یک جامعه را به‌عنوان یک نظام ۲ و سیستم منظمی در نظر بگیریم، آنگاه مجموعه امنیت اجتماعی و منطق‌های شکل‌دهنده آن جامعه را می‌توانیم به‌عنوان زیرسیستم یا خرده سیستم ۳ در نظر بگیریم. انسجام نهایی

-
1. Ole Waever
 2. System
 3. Syb system

جامعه، محصول تعامل و ارتباط منظم میان این خرده سیستم‌ها و همچنین ارتباط نظم یافته آن‌ها با امنیت کل سیستم است. به میزانی که این ارتباط از سوی اجزای تشکیل دهنده خرده سیستم‌ها، سودمند و عادلانه ارزیابی شوند و تعارضی میان سیستم و خرده سیستم‌ها احساس نشود، نظم اجتماعی ۱ تداوم می‌یابد.

به تعبیر دیگر نظم اجتماعی تابعی ۲ از تعامل مثبت این مجموعه‌ها است. طی سال‌های اخیر، رفتارهای مشارکت جویانه مردم در حوزه امنیت عمومی قابل تأمل بوده است. بر این اساس؛ اهمیت سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بر این پایه استوار گردیده که مشارکت مردم را در فعالیت‌های مربوط به حوزه نظم و امنیت افزایش دهند.

طرح ابعاد اجتماعی امنیت و توسعه نظریه‌های جامعه‌محور در تحلیل و شناخت امنیت، در ابتدای قرن بیست و یکم، منجر به شکل‌گیری و عرضه دیدگاه‌های متعدد و متنوعی در حوزه امنیت‌پژوهی شده که در این میان «رویکرد اجتماعی»، بیش از سایر ابعاد مورد اقبال واقع گردید. به همین علت مباحثی از قبیل جامعه‌شناسی امنیت، امنیت اجتماعی و یا امنیت جامعه‌محور هم در محافل دانشگاهی و هم در مراکز اجرایی مورد توجه قرار گرفته است.

این در حالی است که بحث امنیت در جامعه ایران، متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، تابع ملاحظات دیگری نیز قرار گرفته که مهم‌ترین آن ضرورت توجه به «گفتمان اسلامی» در عرصه امنیت‌سازی است. بنابراین در بحث «امنیت اجتماعی» جامعه ایرانی، حداقل باید به دو مؤلفه اساسی یعنی «اصول گفتمان اسلامی» و «مقتضیات ایران در جهان معاصر»، توجه داشت.

از آنجا که وضعیت مشارکت‌های مردمی در هر جامعه‌ای از فرایندهای تاریخی، ساختارهای قانونی، سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد، متغیرهای سطح خرد، نظیر ویژگی‌های فردی و ذهنی نیز به سهم خود در تبیین مشارکت‌های مردمی و گسترش امنیت اجتماعی اثرگذار هستند.

نکته مهم آن است که از آن جا که اسلام به‌عنوان بنیاد ایدئولوژیک امنیت ملی کشور تعریف و تبیین شده است؛ بنابراین نمی‌توان به تلقی صحیحی از امنیت در جامعه ایرانی دست یافت، مگر آن که آن تصویر با مبادی اسلامی منطبق و سازگار باشد.

گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی» آرامش و آسایش است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند. اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از «آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند. (سروستانی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

مشارکت حضور فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات است. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۰۸)

در مجموع می‌توان موارد زیر را از مؤلفه‌های اصلی مشارکت نامید: مشارکت در تصمیم‌گیری در زمینه فنی، در زمینه‌های امور کارکنان (قانون کار و امور استخدامی و...)، در تصمیم‌گیری‌های مالی نظیر سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد، تسهیم منافع و غیره، مشارکت در امور سیاسی، در امور مربوط به دفاع، در تولید کالاهای مورد نیاز جامعه، در عرضه مستقیم کالاها برای کاهش قیمت‌ها، همچنین در طرح‌های ملی (مثل درخت‌کاری، کویزدایی، جمع‌آوری زباله، بهداشت و خدمات، ورزش...)، مشارکت در پیشگیری از بزه‌کاری و مشارکت در انتظام شهری، محلی و کشوری که بدیهی است افزایش مشارکت در هر یک از آن‌ها موجبات ارتقاء امنیت جامعه را فراهم می‌سازد.

امنیت اجتماعی با چهار رویکرد «امنیت جامعه ۱»، «امنیت عمومی ۲»، «تأمین اجتماعی ۳» و «امنیت اجتماعی شده ۴» مورد مذاقه قرار می‌گیرد. با این تفاوت که رویکرد اول، همه‌ی ملاحظات امنیتی جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و ... را شامل می‌شود. رویکرد دوم، محدود به امنیت افراد در حیات اجتماعی یعنی حفظ جان، مال، ناموس و منافع افراد می‌شود. رویکرد سوم، درصدد ایمن نمودن حیات جمعی برای افراد جامعه است که در زبان فارسی مفهوم «تأمین اجتماعی» به این معنی به کار می‌رود. اما در مقابل سه رویکرد فوق، رویکرد چهارم یک رویکرد گفتمانی جدید است که موضوع آن هیچ ارتباطی با مباحث سه‌گانه فوق نداشته و به مسئله مهم «هویت» به‌عنوان مسئله اصلی «امنیت» می‌پردازد.

اما بدیهی است که پرداختن به رویکرد اول، خارج از اهداف این تحقیق است. رویکرد سوم نیز با اقدامات سازمان‌ها و نهادهای مانند سازمان تأمین اجتماعی و خدمات درمانی مطابقت داشته و برای این پژوهش موضوعیت ندارد. نتیجه این که در این تحقیق علاوه بر توجه به ملاحظات مربوط به جان، مال، ناموس و منافع افراد (رویکرد دوم) به مباحث هویتی (رویکرد چهارم) نیز پرداخته خواهد شد.

ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) معتقدند که افزایش میزان مشارکت در بازتولید و ارتقای اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن نیت، وظیفه‌شناسی، وفای به عهد و ثبات در اندیشه و عمل مؤثر خواهد بود. در نتیجه باعث افزایش امنیت اجتماعی خواهد شد. «امروزه ثابت شده است که گسترش امنیت، تنها از طریق افزایش کنترل نهادهای رسمی امنیتی از جمله نیروی انتظامی امکان‌پذیر نیست و نیازمند مشارکت تمامی افراد جامعه و سازمان‌دهی گروه‌های خودجوش و مردمی است». هر اندازه شبکه‌های مشارکت مدنی، در جامعه مترکم‌تر باشند. احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است، شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله ای افزایش می‌دهد و هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند و ارتباطات را تسهیل کرده و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند. (پاتنام ۱۳۸۰ :

۲۹۸، ۲۹۷) و این امر باعث ارتقای امنیت اجتماعی می‌شود. بنابراین بررسی رابطه میان مشارکت و احساس امنیت اجتماعی، انواع امنیت و عوامل مؤثر بر میزان ارتقای امنیت، ضروری است.

با عنایت به موارد پیش‌گفته، وضعیت امنیت اجتماعی با توجه به مطالعات انجام‌شده و تجربیات محقق که مواردی از آن در انتهای ادبیات تحقیق به آن‌ها اشاره شده برای رسیدن به وضع مطلوب از وضع فعلی بهترین شرایط امنیت اجتماعی شده است امنیت اجتماعی شده به مفهوم جدید آن در دو دهه اخیر وارد ادبیات امنیتی شده است. تا قبل از آن توجه امنیت به عوامل سخت افزاری و ابعاد نظامی بود ولی در سالهای اخیر جنبه‌های نرم افزاری آن نیز مورد توجه قرار گرفته است یعنی علاوه بر جنبه اجتماعی سایر جنبه‌ها مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و.. نیز مورد بررسی و مذاکره قرار گرفت. اتفاق‌ها و رخدادهای متعددی که با پیشرفت فناوری و توسعه در کشورها بروز می‌کند ضرورت توجه به مسائل اجتماعی - روان‌شناختی را بیش از گذشته در امور امنیتی را نشان داد. امنیت اجتماعی شده اشاره می‌کند که امنیت اجتماعی یک فرآورده دولتی نیست و به جای نگاه به رأس هرم به قاعده آن، شهروندان معطوف است که توان ایجاد و گسترش امنیت به شکل مدنی آن

را دارا هستند لذا مسئله این تحقیق بررسی نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) است که در بررسی‌های محقق از تحقیقات مختلف تاکنون به صورت توأم انجام نشده است. از آنجا که انجام تحقیق در خصوص نقش مشارکت اجتماعی در امنیت اجتماعی در ایران از توان یک رساله دکتری خارج است به همین منظور این تحقیق به لحاظ جغرافیا به شهر تهران محدود گردیده است.

از نظر پاتنام شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی شامل موارد ذیل است: ۱- میزان مشارکت در امور اجتماع محلی و زندگی سازمانی ۲- مشارکت در امور عمومی (مثل رأی دادن) ۳- رفتار داوطلبانه ۴- فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی (مثل دیدار دوستان) و ۵- سطح اعتماد بین افراد. بدین ترتیب شاخص‌های او دارای دو عامل اساسی است: مشارکت انجمنی و اعتماد. (شارع پور:

۱۳۸۵)

اولی ویور ۱ برای اولین بار واژه «امنیت اجتماعی» را به کار برده و قصد خود را از بیان آن چنین توضیح می‌دهد که امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدها واقعی و محتمل تعریف می‌شود. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جست‌وجو می‌کند. (نوبدینیا،

۱۳۸۲: ۶۲)

بنابراین محقق در این پژوهش تلاش خواهد کرد نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید.

جامعه به مثابه یک واقعیت پیچیده، در ابعاد مختلف دارای خصیصه‌ها، توانمندی‌ها، مشکلات و تنگناهای متعدد و متنوعی است. خشونت و بزهکاری از جمله مسائل و مشکلات اکثر جوامع امروز است. مسئله‌ای که بشر با همه قدرت، مهارت و ابتکار خود، هنوز نتوانسته است در مبارزه با آن پیروز شود و از میزان و انواع مختلف آن بکاهد. صرف نظر از مکان وقوع آن‌ها علاوه بر به مخاطره انداختن امنیت عمومی جوامع انسانی و جریحه‌دار کردن افکار عمومی شهروندان به خصوص کسانی که از آن آسیب دیده‌اند در برخی موارد به سرمایه‌های انسانی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌نماید. آنچه مسلم است میزان جرائم به اندازه و درجه رشد شهر ارتباط دارد و به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرائم نیز افزایش می‌یابد.

در این راستا؛ برقراری، حفظ و نگهداشت امنیت در جامعه نیازمند مشارکت فعال شهروندان است. چرا که امنیت یک تولید جمعی است و امنیت اجتماعی نیازمند مشارکت جدی و فعال شهروندان است. بر این باوریم، بروز خشونت به میزان زیادی ریشه در فقدان راه‌های مختلف مشارکتی دارد که منجر به تراکم نارضایتی و در نهایت توسل به ابزارهای خشن می‌شود. در نتیجه؛ اگر کل یک جامعه را به‌عنوان یک نظام ۱ و سیستم منظمی در نظر بگیریم، آنگاه مجموعه امنیت اجتماعی و منطق‌های شکل‌دهنده آن جامعه را می‌توانیم به‌عنوان زیرسیستم یا خرده سیستم ۲ در نظر بگیریم. انسجام نهایی جامعه، محصول تعامل و ارتباط منظم میان این خرده سیستم‌ها و همچنین ارتباط نظم یافته آن‌ها با امنیت کل سیستم است. به میزانی که این ارتباط از سوی اجزای تشکیل‌دهنده خرده سیستم‌ها، سودمند و عادلانه ارزیابی شوند و تعارضی میان سیستم و خرده سیستم‌ها احساس نشود، نظم اجتماعی ۳ تداوم می‌یابد.

به تعبیر دیگر نظم اجتماعی تابعی ۴ از تعامل مثبت این مجموعه‌ها است. طی سال‌های اخیر، رفتارهای مشارکت‌جویانه مردم در حوزه امنیت عمومی قابل تأمل بوده است. بر این اساس؛ اهتمام سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بر این پایه استوار گردیده که مشارکت مردم را در فعالیتهای مربوط به حوزه نظم و امنیت افزایش دهند.

طرح ابعاد اجتماعی امنیت و توسعه نظریه‌های جامعه‌محور در تحلیل و شناخت امنیت، در ابتدای قرن بیست و یکم، منجر به شکل‌گیری و عرضه دیدگاه‌های متعدد و متنوعی در حوزه امنیت‌پژوهی شده که در این میان «رویکرد اجتماعی»، بیش از سایر ابعاد مورد اقبال واقع گردید. به همین علت مباحثی از قبیل جامعه‌شناسی امنیت، امنیت اجتماعی و یا امنیت جامعه‌محور هم در محافل دانشگاهی و هم در مراکز اجرایی مورد توجه قرار گرفته است.

این در حالی است که بحث امنیت در جامعه ایران، متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، تابع ملاحظات دیگری نیز قرار گرفته که مهم‌ترین آن ضرورت توجه به «گفتمان اسلامی» در عرصه امنیت‌سازی است. بنابراین در بحث «امنیت اجتماعی» جامعه ایرانی، حداقل باید به دو مؤلفه اساسی یعنی «اصول گفتمان اسلامی» و «مقتضیات ایران در جهان معاصر»، توجه داشت.

1. System
2. Syb system
3. Social order
4. function

از آنجا که وضعیت مشارکت‌های مردمی در هر جامعه‌ای از فرایندهای تاریخی، ساختارهای قانونی، سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد، متغیرهای سطح خرد، نظیر ویژگی‌های فردی و ذهنی نیز به سهم خود در تبیین مشارکت‌های مردمی و گسترش امنیت اجتماعی اثرگذار هستند.

نکته مهم آن است که از آن جا که اسلام به‌عنوان بنیاد ایدئولوژیک امنیت ملی کشور تعریف و تبیین شده است؛ بنابراین نمی‌توان به تلقی صحیحی از امنیت در جامعه ایرانی دست یافت، مگر آن که آن تصویر با مبادی اسلامی منطبق و سازگار باشد.

گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی» آرامش و آسایش است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند. اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از «آرامش و آسودگی خاطر که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند. (سروستانی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

مشارکت حضور فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات است. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور مرحله، شهر و روستا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۰۸)

در مجموع می‌توان موارد زیر را از مؤلفه‌های اصلی مشارکت نامید: مشارکت در تصمیم‌گیری در زمینه فنی، در زمینه‌های امور کارکنان (قانون کار و امور استخدامی و...)، در تصمیم‌گیری‌های مالی نظیر سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد، تسهیم منافع و غیره، مشارکت در امور سیاسی، در امور مربوط به دفاع، در تولید کالاهای مورد نیاز جامعه، در عرضه مستقیم کالاها برای کاهش قیمت‌ها، هم‌چنین در طرح‌های ملی (مثل درخت‌کاری، کویرزدایی، جمع‌آوری زباله، بهداشت و خدمات، ورزش...)، مشارکت در پیشگیری از بزه‌کاری و مشارکت در انتظام شهری، محلی و کشوری که بدیهی است افزایش مشارکت در هر یک از آن‌ها موجبات ارتقاء امنیت جامعه را فراهم می‌سازد.

امنیت اجتماعی با چهار رویکرد «امنیت جامعه ۱»، «امنیت عمومی ۲»، «تأمین اجتماعی ۳» و «امنیت اجتماعی شده ۴» مورد مذاقه قرار می‌گیرد. با این تفاوت که رویکرد اول، همه‌ی ملاحظات امنیتی

جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و ... را شامل می‌شود. رویکرد دوم، محدود به امنیت افراد در حیات اجتماعی یعنی حفظ جان، مال، ناموس و منافع افراد می‌شود. رویکرد سوم، درصدد ایمن نمودن حیات جمعی برای افراد جامعه است که در زبان فارسی مفهوم «تأمین اجتماعی» به این معنی به کار می‌رود. اما در مقابل سه رویکرد فوق، رویکرد چهارم یک رویکرد گفتمانی جدید است که موضوع آن هیچ ارتباطی با مباحث سه‌گانه فوق نداشته و به مسئله مهم «هویت» به‌عنوان مسئله اصلی «امنیت» می‌پردازد.

اما بدیهی است که پرداختن به رویکرد اول، خارج از اهداف این تحقیق است. رویکرد سوم نیز با اقدامات سازمان‌ها و نهادهای مانند سازمان تأمین اجتماعی و خدمات درمانی مطابقت داشته و برای این پژوهش موضوعیت ندارد. نتیجه این که در این تحقیق علاوه بر توجه به ملاحظات مربوط به جان، مال، ناموس و منافع افراد (رویکرد دوم) به مباحث هویتی (رویکرد چهارم) نیز پرداخته خواهد شد.

ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) معتقدند که افزایش میزان مشارکت در بازتولید و ارتقای اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن نیت، وظیفه‌شناسی، وفای به عهد و ثبات در اندیشه و عمل مؤثر خواهد بود» در نتیجه باعث افزایش امنیت اجتماعی خواهد شد. «امروزه ثابت شده است که گسترش امنیت، تنها از طریق افزایش کنترل نهادهای رسمی امنیتی از جمله نیروی انتظامی امکان‌پذیر نیست و نیازمند مشارکت تمامی افراد جامعه و سازمان‌دهی گروه‌های خودجوش و مردمی است». هراندازه شبکه‌های مشارکت مدنی، در جامعه متراکم‌تر باشند. احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است، شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله ای افزایش می‌دهد و هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند و ارتباطات را تسهیل کرده و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند» (پاتنام ۱۳۸۰ : ۲۹۷، ۲۹۸) و این امر باعث ارتقای امنیت اجتماعی می‌شود. بنابراین بررسی رابطه میان مشارکت و احساس امنیت اجتماعی، انواع امنیت و عوامل مؤثر بر میزان ارتقای امنیت، ضروری است.

با عنایت به موارد پیش‌گفته، وضعیت امنیت اجتماعی با توجه به مطالعات انجام‌شده و تجربیات محقق که مواردی از آن در انتهای ادبیات تحقیق به آن‌ها اشاره شده برای رسیدن به وضع مطلوب از وضع فعلی بهترین شرایط امنیت اجتماعی شده است امنیت اجتماعی شده به مفهوم جدید آن

در دو دهه اخیر وارد ادبیات امنیتی شده است. تا قبل از آن توجه امنیت به عوامل سخت افزاری و ابعاد نظامی بود ولی در سالهای اخیر جنبه‌های نرم افزاری آن نیز مورد توجه قرار گرفته است یعنی علاوه بر جنبه اجتماعی سایر جنبه‌ها مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و.. نیز مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت. اتفاق‌ها و رخداد‌های متعددی که با پیشرفت فناوری و توسعه در کشورها بروز می‌کند ضرورت توجه به مسائل اجتماعی - روان‌شناختی را بیش از گذشته در امور امنیتی را نشان داد. امنیت اجتماعی شده اشاره می‌کند که امنیت اجتماعی یک فرآورده دولتی نیست و به‌جای نگاه به رأس هرم به قاعده آن، شهروندان معطوف است که توان ایجاد و گسترش امنیت به شکل مدنی آن را دارا هستند لذا مسئله این تحقیق بررسی نقش مشارکت اجتماعی در ارتقای امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) است که در بررسی‌های محقق از تحقیقات مختلف تاکنون به صورت توأم انجام نشده است. از آن‌جا که انجام تحقیق در خصوص نقش مشارکت اجتماعی در امنیت اجتماعی در ایران از توان یک رساله دکتری خارج است به همین منظور این تحقیق به لحاظ جغرافیا به شهر تهران محدود گردیده است.

این پژوهش در سنجش میزان امنیت اجتماعی، تا حدودی فراغت از تهدیدها را در نظر گرفته اما بیشتر رویکرد اجتماعی امنیت و احساس امنیت در بستر زمینه‌های اجتماعی تبیین و تعریف می‌شوند. مشارکت اجتماعی به عنوان شاخصی مهم در کنش اجتماعی، یکی از زمینه‌های اجتماعی است که می‌تواند بر امنیت اجتماعی افراد موثر واقع شود. این پژوهش به بررسی این مساله می‌پردازد که چقدر امنیت اجتماعی می‌تواند از مولفه‌های مشارکت اجتماعی تاثیر بپذیرد. در مجموع امنیت اجتماعی و ضریب امنیت بالا یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و بسامان بودن جوامع است. همچنین احساس امنیت خاطر، یکی از عمده‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

همانطور که گیدنز (۱۳۷۷) معتقد است با توجه به فاصله‌گیری زمانی و مکانی که ویژگی جوامع جدید است مشارکت اجتماعی اهمیت دو چندان می‌یابد، چرا که این فاصله‌گیری امکان نظارت دائمی بر کنش و عملکرد افراد بر یکدیگر را از بین برده و افراد راهی ندارند جزء این که مشارکت در اجتماع و در کنش متقابل با یکدیگر شرکت کنند. به عبارتی دیگر عدم مشارکت یعنی فلج شدن نظم اجتماعی در این صورت است که فرد در هیچ نوع کنش سیاسی و اجتماعی شرکت نمی‌کند و دائم باید در انتظار وقوع کنش و واکنش‌های منفی افراد جامعه باشد. با کاهش امنیت، آرمان

های فرد تخفیف می یابد. تعالی جامعه، رشد و فکر و اندیشه، توسعه و رشد استعدادها، همگی ریشه در عنصر امنیت دارند. بحرانی بودن امنیت اجتماعی قطعاً در رفتار شهروندان تأثیر مخربی خواهد نهاد و آنان را از ایجاد روابط مطلوب و پیشرفت فردی ناتوان خواهد ساخت. وضعیت فعلی جامعه ما لزوم توجه به مسئله امنیت اجتماعی در ابعاد و زوایای گوناگون را ضروری ساخته است. بحرانی بودن امنیت اجتماعی قطعاً در رفتار شهروندان تأثیر مخربی خواهد نهاد و آنان را از ایجاد روابط مطلوب و پیشرفت فردی ناتوان خواهد ساخت در واقع زیستن توأم با اضطراب و ترس طبق گفته روانشناسان وضعیت خوشایندی نیست. پرداختن به موضوع امنیت به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و رفاه اجتماعی از این رو ضروری است که با کاهش امنیت آرمان‌های فرد تخفیف می یابد. تعالی جامعه رشد فکر و اندیشه، توسعه و رشد استعدادها، همگی ریشه در عنصر امنیت دارند علاوه بر این دغدغه کاربردی این پژوهش سعی خواهد داشت به بررسی و رابطه پیوند مشارکت اجتماعی امنیت اجتماعی در شهر تهرانی پرداخته تا از این طریق به راه حلی برای ارتقاء امنیت اجتماعی دست یابیم.

تعریف مفاهیم و واژگان

۱- مشارکت اجتماعی

تعریف نظری: مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه، در امور محله شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربردارنده فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در قالب سیاست‌های اجتماعی و مناسبات حیات اجتماعی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴)

تعریف عملیاتی: شرکت مسئولانه، آگاهانه و فعالانه افراد در فعالیت‌های مدنی (شرکت در انجمن‌های صنفی، کارگری، تعاونی‌ها و...) فرهنگی و تفریحی (شرکت در فعالیت‌های هنری، علمی، ورزشی و...)، مذهبی (شرکت در هیئت‌های مذهبی و...)، محلی (همکاری با همسایگان، انجمن اولیاء و مربیان، فعالیت‌های عمرانی محلی و...) مبارزه با جرایم اجتماعی (همکاری با پلیس، همکاری با نهادهای مسئول در امنیت، معرفی و اطلاع‌رسانی معضلات اجتماعی و...) که مؤثر است.

۲- امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی دلالت بر مجموعه سیاست‌ها و راه‌کارهایی دارد که هدف از آن، اطمینان خاطر اولیه و نسبی برای افراد و ارتقای منزلت اجتماعی آنان در تعاملات و شبکه‌ی روابط اجتماعی است. (افتخاری؛ ۱۳۸۴: ۲۶)

امنیت اجتماعی شده:

بوزان^۱ امنیت اجتماعی شده را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت، و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول تعریف می‌کند. (بوزان؛ ۱۳۷۸: ۳۵)

تعریف عملیاتی امنیت اجتماعی:

منظور از امنیت اجتماعی در این تحقیق، عدم احساس خوف، تهدید و نا امنی مردم ایران در محیط کار و زندگی خود و اطمینان آن‌ها در حفظ هویت (ارزش‌های اسلامی و ملی) است.

چارچوب نظری تحقیق

بدیهی است که در رابطه با امنیت رویکرد های گوناگونی مطرح گردیده است. به بیان دیگر هر رویکرد بر مفروضات خاصی استوار است و عوامل متعددی بر میزان امنیت موثر هستند. اما به طور کل می توان گفت در چند سال اخیر امنیت از لحاظ مفهومی دچار نوعی تحول شده است. دیدگاه‌های کلاسیک بر نقش دولت تأکید داشته و امنیت را در بعد کلان مورد توجه قرار می داده اند و اغلب آن را در شکل ملی و در ارتباط با سایر کشورها و دولت های دیگر در نظر می گرفته‌اند و برداشت آن‌ها از مفهوم امنیت بعد عینی‌تری داشته است. در مقابل هر چه به زمان معاصر نزدیک می شویم امنیت در تمام ابعاد اهمیت می‌یابد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از آن جمله اند.

اندیشمندان معاصر این حوزه با توجه به شرایط عصر حاضر و لزوم توجه به تمام وجوه این مهم در صدد هستند تا امنیت را با تمام خرده نظام های جامعه ارتباط دهند. در این راستا، صاحب‌نظرانی چون بوزان، ویور، مولار و میتار و ابعاد تازه ای از امنیت را اظهار داشته اند و بر ذهنی _ روانی این مقوله توجه مبذول داشته اند. علاوه بر اختلاف نظر در دیدگاه های صاحب‌نظران قدیم و جدید حوزه امنیت، حتی در پاره ای از اوقات پاسخ دیدگاه های گوناگون به یک سوال تفاوت ها را نمایان می سازد. هورل در این زمینه به تفاوت دو دیدگاه توسعه گرایان و واقع‌گرایان اشاره می

کند. به اعتقاد او از دیدگاه توسعه‌گرایان پاسخ به سوال اساسی ((امنیت چه کسی؟)) را دیگر نمی‌توان به طور دقیق در امنیتی که منحصرًا به دولت مربوط می‌شود و یا اینکه دست کم اولویت اول را در فرآیند تامین امنیت به دولت می‌دهد (چیزی که مورد تایید واقع‌گرایان یا دیدگاه سنتی قرار دارد) جستجو کرد. به عبارت دیگر، موضوع امنیت باید در سطحی پایین‌تر از دولت یعنی افراد و سایر اجتماعاتی که با تهدیدات برای رفاه و هستی خود مواجه هستند و در سطحی بالاتر از دولت یعنی انسانیت به طور کلی - مردم در کل و نه شهروندان یک دولت خاص - بررسی شود. (امیر کافی ۱۳۸۸: ۳)

در ادبیات نظری پیرامون امنیت، دو دیدگاه کلان ((نبود تهدید)) و ((کسب فرصت‌ها)) طرح گردیده است (مک کیم لاین / لیتل، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۳). در واقع امنیت در دو طیف ((نفی خطرات)) و ((دریافت منافع)) معنا شده است. به طوری که در صورت وجود دو شرط کلی می‌توان تحقق امنیت را ادعا نمود. اول آنکه خطر و تهدیدی وجود نداشته باشد و در حالت بعدی زمانی که امکان کسب منافع و دستیابی به اهداف فراهم باشد. (نویدینیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

از نظر بوزان امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود ((نظامی، سیاسی، اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی)). امنیت نظامی یا ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی دولت‌ها با ظرفیت نظامی دولت‌های دیگر مرتبط است. به دلیل استفاده از زور، کنش‌های درون‌بخش نظامی به عنوان تهدیدهای ممکن برای همه بخش‌های دیگر در نظر گرفته می‌شوند. و از این رو به طور سنتی بیشترین اولویت را در مفاهیم امنیت کسب می‌کنند امنیت سیاسی در مورد ثبات سازمانی دولت است و ممکن است در جهت سرنگون کردن حکومت و یا دفاع از ایدئولوژی‌ها و نهادهای حکومتی، هدایت شود به عبارت دیگر امنیت سیاسی ناظر بر تداوم سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می‌سازد، مرتبط است در واقع امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت اقتصادی به معنای دسترسی به منابع مالی، طبیعی، انسانی و ... است، یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. هدف امنیت در این باب حفظ و رسیدن

به سطوح قابل فبولی زا رفاه می باشد. امنیت بوم شناختی (زیست محیطی) اشاره دارد به حفظ کردن زیست جهانی و محلی. تهدید های این بخش ممکن است به شکل زلزله، طوفان یا تهدید هایی مانند آلودگی های فرامرزی باشد که در اشکال گوناگون به عنوان امنیتی پدیدار شوند. پس امنیت زیست محیطی ناظر بر حفظ محیط محلی و جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمام حیات بشری بدان متکی است، می باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کنند و با هویت اجتماعی و احساسات مشترکی که یک واحد جمعی را می سازد، مرتبط است. در واقع امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲) به عبارتی دیگر بوزان معتقد است که امنیت اجتماعی به مقابله با خطرانی می پردازد که به صورت نیروی بالقوه یا بالفعل هویت افراد جامعه را تهدید می کنند. عامل و پدیده ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد و در واقع هویت گروه را به مخاطره اندازد تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می شود. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیک امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می کند. (نوبدینا، ۱۳۸۲: ۶۵). در واقع این احساس وابستگی و تعلق که میان اعضای گروه وجود دارد باعث می شود گروه اجتماعی سامان گیرد. گروه اجتماعی آن کلیتی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باور، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و باعث می شود آنها بتوانند به این کلیت به عنوان ((ما)) نگاه کنند.

بوزان بر درک مفهوم امنیت اجتماعی (امنیت جامعه ای) به عنوان هویت تاکید کرده و یک اشتباه مفهومی در باب "societal" را یادآور می شود. به نظر بوزان امنیت اجتماعی نبایستی با تامین اجتماعی یکسان در نظر گرفته شود زیرا تامین اجتماعی درباره افراد و به طور گسترده تر در اقتصاد مطرح است ولی امنیت اجتماعی درباره جمع عای بشری و هویت شان می باشد و به سطح افراد و به طور اخص به پدیده های اقتصادی قابل تقلیل نیست، بلکه به سطح هویت های جمعی و کنش هایی که به منظور دفاع از هویت ها با عنوان ما صورت می گیرد. بنابراین برای جلوگیری از تداخل مفاهیم لازم است تاکید شود که منظور از امنیت اجتماعی در این پژوهش امنیت جامعه ای است و نه امنیت اجتماعی.

امنیت اجتماعی از نگاه بوزان به قابلیت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۴۰). از این منظر با حفظ عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه، تحقق شرایط امن برای بقا و تداوم جامعه میسر می شود.

به عقیده ((ویور)) امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی قابل طرح نیست بلکه مفهوم هم طراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است، چرا که امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجعیت امنیت ملی می باشد. امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان بخشی و اعتماد سازی است. (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۷).

مولار معتقد است امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد. که مقام مرجع در امنیت ملی دولت، در امنیت اجتماعی و در امنیت انسانی، تک تک افراد هستند (صمدی، ۱۳۸۴: ۳۷). مفهومی که مولار از امنیت اجتماعی مطرح می کند با توجه به دگرگونی های هویتی ناشی از جهانی شدن و کاهش کنترل حکومت ها بر ملت ها است که باعث شده است در عصر جهانی شدن ((صورت های هویتی به منزله نوعی مقاومت بروز کنند)) (صمدی، ۱۳۸۴: ۳۷). از نظر مولار امنیت اجتماعی عبارت است از ((قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن ها، مذهب، هویت ملی و رسوم)) (مولار به نقل از نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۱). از دیدگاه مولار امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداری یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می سازد: به عنوان نمونه اگر زنجیره اتصالی اقلیتی، ملیت آنهاست، امنیت اجتماعی آنها عبارت است از: دفع دغدغه ها و نگرانی هایی که به ویژگی خاص آنها مربوط می شود. به نظر مولار امروزه با توجه به تعامل ملت ها و رنگ باختن مرزهای پیشین، امنیت اجتماعی از اعتبار قابل توجهی برخوردار شده است. (صمدی، ۱۳۸۴: ۳۷)

چلبی چهار علقه افضل و عام برای انسان در نظر می گیرد که می توان آنها را از هم تفکیک کرد. علقه شناختی (فرهنگی)، علقه مادی (اقتصادی)، علقه جمعی (اجتماعی)، علقه امنیتی (سیاسی). در بعد علقه امنیتی انسان به عنوان موجود هدفمند و بالقوه مضطرب، جهت حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط های اجتماعی در صدد تحقق اهداف خود است. می توان گفت که توافق اساسی در تعریف و تمایز روشن چهار مقوله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد. آنچه که به مسئله این پژوهش ربط می یابد بیشتر بعد سیاسی نظم اجتماعی است. چراکه امنیت در آن قرار گرفته است و از نظر تحلیل، سیاست در ناب ترین شکل اثباتی خود قابل تحول به پنج

عنصر اصلی و در عین حال مرتبط به هم است. شامل: زور، علقه امنیتی، کنش های عاطفی، کنشگران و رابطه اجباری.

امنیت مالی (اقتصادی)

امنیت جانی/بهداشتی (سیاسی)

امنیت جمعی (اجتماعی)

امنیت فکری (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۲)

امنیت اقتصادی به برخورداری افراد از درآمد پایه، یا از طریق اشتغال درآمدزا یا به وسیله شبکه سلامت (تأمین) اجتماعی، اطلاق می شود. (باجپایی، ۱۳۸۴: ۴۲) لازمه امنیت اقتصادی داشتن شغل مطمئن و درآمدزا می باشد. همچنین امنیت مالی و اقتصادی به معنی نداشتن نگرانی نسبت به از دست دادن دارایی و درآمد است. منظور از امنیت جانی احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی اش در مقابله با تهدیدات بیرونی اعم از اجتماعی، محیطی و بهداشتی است که وجود و کیفیت سلامتی اش را به خطر می اندازد. احساس امنیت جانی، نداشتن نگرانی از آسیب دیدن جسم و جان در اثر بیماری و حوادث سخت است. احساس امنیت جمعی (اجتماعی) به احساس فرد برای شرکت آزادانه در گروه ها، انجمن ها و احزاب گوناگون و نیز حفظ این گروه ها اشاره کرده به گونه ای که از سوی دولت یا گروه های اجتماعی دیگر مورد تهدید و تبعیض و تعرض قرار نگیرد و افراد نگرانی برا تعاملات بر پایه تجمعات آیینی، سیاسی، صنفی و ... نداشته باشند. منظور از احساس امنیت فکری، نداشتن نگرانی نسبت به بیان آزادانه افکار و نظرات خود است بدون اینکه مورد توبیخ و تنبیه قرار گیرد. به عبارت دیگر فرد در بیان افکار و نظرات خود احساس دلهره و نگرانی نداشته و دچار پریشانی فکری نباشد.

از نظر پوتنام سرمایه ی اجتماعی شامل موارد ذیل است: ۱- میزان مشارکت در امور اجتماع محلی و زندگی سازمانی ۲- مشارکت در امور عمومی (مثل رای دادن) ۳- رفتار داوطلبانه ۴- فعالیتهای اجتماعی غیر رسمی (مثل دیدار دوستان) و ۵- سطح اعتماد بین افراد. بدین ترتیب شاخص های او دارای دو عامل اساسی است: مشارکت انجمنی و اعتماد. (شارع پور: ۱۳۸۵)

صاحب نظران (بولن ۱ و انیکس ۱ ۱۹۹۹ به نقل از شریفیان ثانی، ۱۳۸۰) هشت عنصر مهم سرمایه-ی اجتماعی را به قرار ذیل مطرح کرده اند:

مشارکت در اجتماع محلی، کنشگری در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، پیوندهای دولتی و خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی و پیوندهای کاری. بنابراین در واقع، سرمایه‌ی اجتماعی به توان «جامعه مدنی» یا توانایی جامعه برای اداره‌ی امور خود از طریق انجمن‌های غیررسمی و غیردولتی و همچنین فعالیت‌های گروهی غیرانتفاعی اشاره دارد؛ نهادهایی از قبیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، اوقاف، خیریه‌ها، سازمان‌های محیط‌زیست یا زنان نمونه‌هایی از این تلاش‌های غیررسمی برای رسیدگی به مسائل اجتماعی هستند. (<http://www.moein>) به عبارتی دیگر سرمایه‌ی اجتماعی در بعد نظری و ذهنی بیشتر به اعتماد (عمومی و نهادی)، آگاهی و توجه به امور عمومی و در بعد عینی و عملی بیشتر به مشارکت (رسمی، داوطلبانه، همیارانه و خیریه‌ای) مربوط می‌شود.

سئوالات مهمی که در رابطه با آگاهی شهروندان مطرح می‌شود؛ اطلاعات و میزان آگاهی شهروندان از اخبار سیاسی کشور، منطقه و شهرستان خود به چه میزان است؟؛ زمینه‌ی خواندن روزنامه، مجله و استفاده از اینترنت چقدر فراهم شده و به چه میزان از آن استفاده مثبت می‌کنند؟؛ میزان اهمیت قائل شدن برای پیگیری امور ملی یا محلی، اطلاعات و آگاهی از چگونگی انتخاب مسئولان و نحوه انتصاب و انتخاب آنها چقدر است؟

در رابطه با میزان مشارکت این که چه تعداد از شهروندان در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه (و یا در جشن‌هایی نظیر نیکوکاری، عاطفه‌ها، تکریم ایتم و...) شرکت می‌کنند؟

مشارکت

مشارکت شرکت آگاهانه انسانها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات می‌باشد. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور مرحله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۰۸) "شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند. این هنجارها شبکه‌های ارتباطی که به کسب حسن شهرت و وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است را تقویت می‌کنند. شبکه‌های

مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می کنند و جریان اطلاعات را درمورد قابل قبول بودن افراد بهبود می بخشند." (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸) در واقع پوتنام مشارکت را به دوحوزه عمومی و داوطلبانه تقسیم می کند. حوزه عمومی به مشارکت درانتخابات و مسائل مربوط به وظایف شهروندی است و درامرداوطلبانه انواع مشارکتهایی است که به خواست فرد انجام می پذیرد.

مشارکت در تصمیمات مربوط به امور فنی، مشارکت در زمینه های امور کارمندان (این نوع مشارکت در قانون شوراهای اسلامی کار به طور نسبتا گسترده ای پیش بینی شده است)، مشارکت در سرمایه گذاری، توزیع درآمد، تسهیم منافع و غیره و مشارکت در تصمیم هایی که در زمینه های عمومی اتخاذ می شوداز مولفه های مشارکت محسوب می شوند (میر سپاسی، ۱۳۸۳: ۲۴۱) عضویت در نهادهای مدنی را می توان یکی از ابعاد سرمایه ی اجتماعی (در حوزه مشارکت) دانست. نهادهای مدنی نظیر انجمنهای صنفی، حرفه ای، شوراهای شهری و محلی، کتابخانه ها، انجمنهای علمی و ورزشی، گروههای حامی محیط زیست، انجمنهای تجاری، کشاورزی و موارد مشابه از این دسته هستند. سازماندهی افراد در نهادهای مدنی موجب فرهنگهای صنفی و حرفه ای خاص در این نهادها می شود و ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب می شود که به طور غیرمستقیم، کنترل رفتارها و تعاملات اجتماعی و اقتصادی اعضای این نهادها وابسته به هنجارهای موجود در این نهادها شده و هزینه های بسیاری از کنترلهای رسمی کاهش یابد. یعنی این امر موجب تقویت سطح امنیت در جامعه می گردد.

یکی دیگر از ابعاد سرمایه ی اجتماعی در این حوزه، میزان مشارکت شهروندان در بهبود نظامهای سیاسی، مشارکت افراد در رأی گیریها، در احزاب و مشارکت در تدوین برنامه ها است. در سطح سازمانی نیز مشارکت کارکنان و مدیران در تصمیم گیریهای سازمانی را می توان دلیلی بر وجود سرمایه ی اجتماعی مناسب دانست. به طور کلی منظور از مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دست یابی به اهداف گروهی یکدیگر را یاری نمایند و با مسئولیت کار شریک شوند. (علوی، ۱۳۸۰)

در مجموع می توان موارد زیر را از مولفه های اصلی مشارکت نامید: مشارکت در تصمیم گیری در زمینه فنی، در زمینه های امور کارکنان (قانون کار و امور استخدامی و...)، در تصمیم گیری های مالی نظیر سرمایه گذاری، توزیع درآمد، تسهیم منافع و غیره، مشارکت در امور سیاسی، در امور مربوط به دفاع، در تولید کالاهای مورد نیاز جامعه، در عرضه مستقیم کالاها برای کاهش قیمت ها،

هم چنین در طرح‌های ملی (مثل درخت کاری، کویرزدایی، جمع آوری زباله، بهداشت و خدمات، ورزش)، مشارکت در پیشگیری از بزه کاری و مشارکت در انتظام شهری، محلی و کشوری که بدیهی است افزایش مشارکت در هر یک از آن‌ها موجبات ارتقاء امنیت جامعه را فراهم می‌سازد. در جمهوری اسلامی ایران، به علت مذهب مشترک، زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری‌ها، احترام عامه مردم به یک سری اصول و ارزش‌ها و... دارای عناصری از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است. مردم خصوصاً بعد از انقلاب، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و نماز جمعه‌ها شرکت کرده‌اند، حضور فعال در جنگ داشته‌اند، در مسائلی نظیر سیل و زلزله و سقوط هواپیما و... همگی یک حس داشته‌اند در مسائلی نظیر حضور تیم‌های ایرانی در جام جهانی یا قهرمانی ورزشکاران و... نیز این حس مشترک که نماد و نمودی از سرمایه‌ی اجتماعی است، به وضوح قابل مشاهده است.

آگاهی و اطلاعات

شهروندان برای اینکه بتوانند در جامعه مشارکت اجتماعی و سیاسی داشته باشند نیاز به اطلاعات جامعی درباره مسائل و مشکلات روز جامعه دارند. زمانی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاه نمی‌شوند و یا از برنامه ریزی‌هایی که جوابگوی مشکلات اجتماعی است بی‌خبرند (از اجتماع دور و بر خود اطلاعات چندانی ندارند)، فرصت‌های مشارکت اجتماعی یا ذخیره سرمایه‌ی اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین پیش شرط اولیه مشارکت آگاهی است و اطلاع از تنوع رسانه‌ها، مشارکت اطلاعاتی با افراد خارج از خانه، تولید اطلاعات واقعی و غیر واقعی، سعی در کشف واقعی بودن یا غیر واقعی بودن اطلاعات (جستجوی صحت خبر)، اطلاع از وضعیت محل، شهر، کشور، اطلاع از امنیت (منطقه، محل، شهر، کشور) از مولفه‌های آن به شمار می‌آیند (بهرامی، ۱۳۸۱: ۳)

هم چنین اطلاعات عامل ضروری برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی است. به وسیله آن می‌توان پایه‌ای برای کنش فراهم نمود. اطلاعات در فراهم ساختن شالوده‌ای برای کنش مهم است. اما بدست آوردن اطلاعات پر هزینه است. یکی از وسایلی که از طریق آن اطلاعات ممکن است کسب شود استفاده از روابط اجتماعی است هر چه بتوان به میزان بیشتر و دقیق‌تر و در زمانی کمتر و مناسب‌تر به اطلاعات دست یافت، به سرمایه‌ی اجتماعی خود افزوده‌اید.

افزایش آگاهی مردم نسبت به این که در جوامع پیچیده امروز تنها نهادهای متولی امنیت به تنهایی قادر به ایجاد امنیت نیستند و نیازمند همکاری و مشارکت مردم همین جوامع است و افزایش آگاهی مردم نسبت به آسیب هایی که در جوامع پیچیده پیش روی آن ها است، مردم را نسبت به لزوم مشارکت خود در امنیت توجیه منطقی می کند. بنابراین از الزامات مؤلفه مشارکت اطلاع از سطوح امنیت است.

آگاهی مردم باعث می شود که نهاد خانواده نقش بالاتر و مؤثرتری را در کنترل های اجتماعی اعمال نمایند و مردم پیوندی منطقی با نهادهای رسمی امنیتی خواهند داشت که این پیوند به آسانی شکسته نخواهد شد. هم چنین افزایش آگاهی موجب می گردد مردم در پی گیری مطالبات خود از طریق نهادهای رسمی با توجه به مشارکت شان جدی تر گردند. آگاهی مردم بعنوان مشارکت کنندگان در امنیت عمومی از نتایج مشارکت خود، به طور طبیعی باعث تشویق مشارکت آنان خواهد شد .

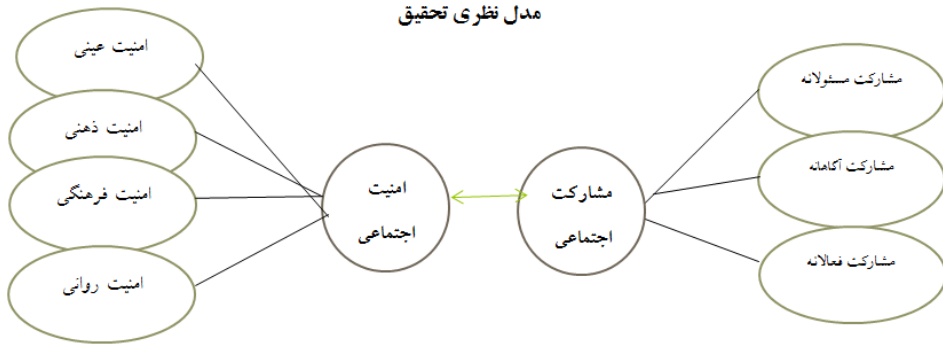
در مجموع مشارکت اجتماعی را تعامل و ارتباط سازنده مردم از طریق ایجاد و افزایش، آگاهی و مشارکت تعریف می نماییم، مشارکت اجتماعی و مولفه های مربوط به آن به مثابه نیرو و انرژی ذخیره شده ای است که در شرایط بحرانی، ناامنی، وعادی به کمک دولت و شهروندان شتافته و آن ها را از زنجیره ی مشکلات قابل پیش بینی می رهاند. این نوع مشارکت با افزایش اعتماد، و آگاهی در سطح جامعه موجب تقویت شبکه های اجتماعی و تقویت همبستگی و تعهدات شهروندان در بین یکدیگر میشود لذا بطور مستقیم امنیت اجتماعی را تقویت می کند.

فرضیه های تحقیق

مشارکت اجتماعی آگاهانه بر ارتقای سطح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) تأثیر دارد.

مشارکت اجتماعی فعالانه بر ارتقای سطح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) تأثیر دارد.

مشارکت اجتماعی مسئولانه بر ارتقای سطح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) تأثیر دارد.



روش شناسی

روش تحقیق در این پژوهش روش پیمایشی از نوع همبستگی است و جامعه آماری شامل تمام شهروندان بالای ۲۵ سال ساکن شهر تهران می باشد که بر اساس سرشماری سال ۹۰ تعداد ۶۳۹۲۱۹۳ نفر می باشد. روش نمونه گیری، روش خوشه ای چند مرحله ای می باشد که برای گنجاندن حوزه های گوناگون در نمونه، از اصل به حداکثر رساندن تعداد خوشه های اولیه منتخب، سود جسته شده است. ((اصل کلی، به حداکثر رساندن تعداد خوشه های اولیه منتخب و پس انتخاب تعداد نسبتاً معدودی از افراد یا واحد از هر خوشه منتخب است)). (دواس، ۱۳۸۶:۷۶). بنابراین ۲۲ منطقه تهران در نظر گرفته شده اند و در مرحله اول نمونه گیری، بلوک ها در هر منطقه شناسایی شده و از آنها نمونه گیری شد، در مرحله دوم واحد های مسکونی در داخل بلوک ها مشخص گردیده و سرانجام در مرحله سوم فرد بزرگسال (۲۵ سال و بیشتر) در هر واحد مسکونی انتخاب شده است. تعداد پاسخگویان در هر منطقه متناسب با تعداد ساکنین آن منطقه بوده و افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شده اند.

تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران با دقت $d=0/05$ و حداکثر واریانس به ازای $pq=0/025$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۸۴ نفر تعیین گردید و برای رفع مشکل کسری پرسشنامه های نامعتبر احتمالی، ۴۵۰ پرسشنامه پر شد که از این تعداد ۴۰۰ پرسشنامه برای مرحله استخراج معتبر تشخیص داده شد. سهم حجم نمونه در هر منطقه از طریق نمونه گیری طبقه ای سیستماتیک تعیین شد. داده های مورد نیاز از طریق ابزار پرسشنامه و با مصاحبه جمع آوری شد. متغیر با امنیت امنیت با ۴ مولفه امنیت عینی، ذهنی، فرهنگی و روانی مورد سنجش قرار گرفت. همچنین متغیر مستقل یعنی مشارکت اجتماعی توسط ۳ شاخص و به کمک سوالات و گویه های گوناگونی مورد

اندازه گیری قرار گرفت. پایایی ابزار اندازه گیری با توجه به آلفای کرونباخ برای گویه های هر شاخص سنجیده شد که آلفای گویه های هر یک از شاخص ها به این صورت بود: برای مشارکت مسئولانه ۰/۷۶۵، برای مشارکت آگاهانه ۰/۷۶۲ و برای مشارکت فعالانه ۰/۶۹۹ می باشد. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از نظر سنجی صاحب نظران (اعتبار صوری) و نیز پرسشنامه های استاندارد بهره جسته شده است. سرانجام داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

سیمای پاسخگویان

توزیع جنسی پاسخگویان به این صورت بود که زنان ۶۷/۵ درصد و مردان ۳۲/۵ درصد پاسخگویان را تشکیل می دادند. پراکنش سنی پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال ۵۲ درصد، گروه سنی ۴۰-۵۰ سال ۴۰ درصد، گروه سنی و بالای ۵۱ سال ۸ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. میانگین سن پاسخگویان ۴۴/۸ سال با نحراف معیار ۵/۲ سال می باشد که هم به لحاظ مشارکت اجتماعی و هم به لحاظ احساس امنیت اجتماعی از تجربه خوبی برخوردار می باشند که اعتماد به نتایج تحقیق را قابل اتکا می نماید. توزیع پاسخگویان از حیث تحصیلات از تعداد ۴۰۰ نفر جامعه آماری ۳۹ نفر دکتری (۱۰٪)، ۱۲ نفر تحصیلات حوزوی (۳٪)، ۹۸ نفر کارشناسی ارشد (۲۴٪)، ۱۴۶ نفر کارشناسی (۳۷٪)، ۱۹ نفر کاردانی (۵٪) و ۸۶ نفر (۲۲٪) دارای مدرک تحصیلی دیپلم بوده اند.

ب) یافته های توصیفی

آزمون فریدمن یکی از خروجی های کای دو محاسبه شده است که در محیط نرم افزار SPSS صورت می گیرد. براساس درجه آزادی مربوط، کای دو محاسبه شده را باید با کای دو بحرانی جدول در سطح خطاپذیری ۰/۵ مورد مقایسه قرار گیرد. چنان چه کای دو محاسبه شده از کای دو جدول بزرگتر باشد، گفته می شود تفاوت معناداری در شاخص های مورد نظر وجود دارد. منطق آزمون فریدمن در مرحله اول، مجموعه نمرات حاصل از سطوح پاسخ های افراد جامعه آماری به متغیرهای پژوهش می باشد، یعنی جمع نمرات هر مقیاس محاسبه می شود و سپس بر اساس جمع نمرات، سایر مقیاس ها رتبه بندی می شود. (امتیاز را براساس طیف لیکرت به دست می آورند) یعنی براساس نمرات هر یک از شاخص ها اندازه گیری می شود. ضرورت توجه به این نکته الزامی است.

در آزمون فریدمن رتبه میانگین‌ها با یکدیگر جمع، تحلیل و مورد مقایسه قرار می‌گیرند، اما در محاسبه کای دو محقق درصد مشخص نمودن تفاوت معناداری بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار می‌باشد. (البته بین کای دو تک متغیره با کای دو چند متغیره تفاوت وجود دارد).

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از آزمون z استفاده شده است که برای نمونه مراحل انجام برای فرضیه اول بیان می‌شود.

اگر به پاسخ‌ها به ترتیب خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵ نسبت داده شود، میانگین پاسخ‌ها برابر ۳ است پس $\mu=3$

فرض‌های آزمون را بصورت زیر تعریف می‌کنیم:

فرض H_0 : بین داشتن تمایل به توسعه و حفظ انضباط اجتماعی و ارتقای امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

فرض H_1 : داشتن تمایل به توسعه و حفظ انضباط اجتماعی در ارتقای امنیت اجتماعی موثر است.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

با ضریب خطای ۵ درصد یعنی $\alpha=0.05$ مقدار بحرانی z را بدست می‌آوریم.

$$Z_{\alpha}=Z_{0.05}=1.96$$

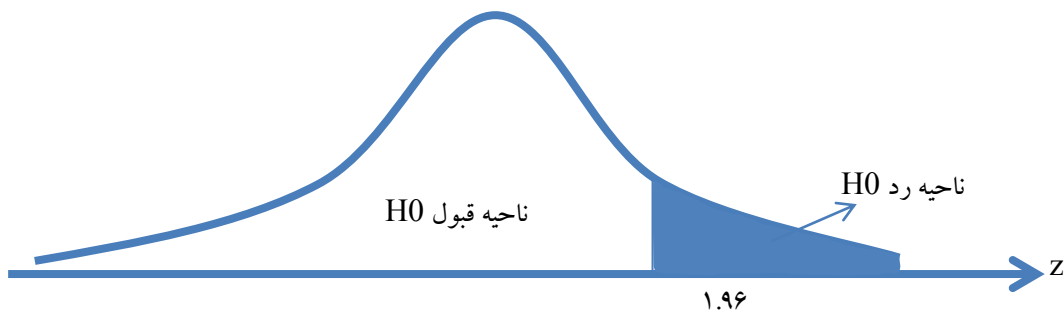
سپس با استفاده از جدول فراوانی داده‌ها مقدار z محاسبه می‌شود.

$$Z = \frac{\bar{x} - \mu}{s} = \frac{4.61 - 3}{0.59} = 2.74$$

سوال ۱: داشتن تمایل به توسعه و حفظ انضباط اجتماعی

نتیجه	مقدار z	انحراف معیار (S)	میانگین پاسخ‌ها	فراوانی پاسخ‌ها				تعداد پاسخ دهندگان	
				بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم		خیلی کم
رد فرض H_0	۲.۷۳۹۵	۰.۵۸۶۷	۴.۶۰۷۵	۲۶۳	۱۱۸	۱۸	۱	۰	۴۰۰
				٪۶۰	٪۳۲.۵	٪۵.۶	٪۱.۷۵	٪۰.۴	درصد فراوانی

طبق نمودار زیر مقدار بدست آمده Z بیشتر از مقدار بحرانی ۱.۹۶ بوده و در ناحیه رد فرض H_0 قرار می گیرد. پس فرض H_0 رد می شود یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می توان ادعا نمود که گویه اول یعنی "تمایل به توسعه و حفظ انضباط اجتماعی" در مشارکت مسئولانه مردم و ارتقا امنیت اجتماعی موثر است.



به همین ترتیب برای همه فرضیه ها آزمون بالا انجام گرفته است که برای خوداری از افزایش صفحه ها یک فرضیه آورده شده است. (نتایج محاسبات در جدول پیوست آورده شده است).
 فرض H_0 : مشارکت اجتماعی آگاهانه بر ارتقای سطح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) تأثیر ندارد.
 فرض H_1 : مشارکت اجتماعی آگاهانه بر ارتقای سطح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) تأثیر دارد.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

با ضریب خطای ۵ درصد یعنی $\alpha=0.05$ مقدار بحرانی Z را بدست می آوریم.

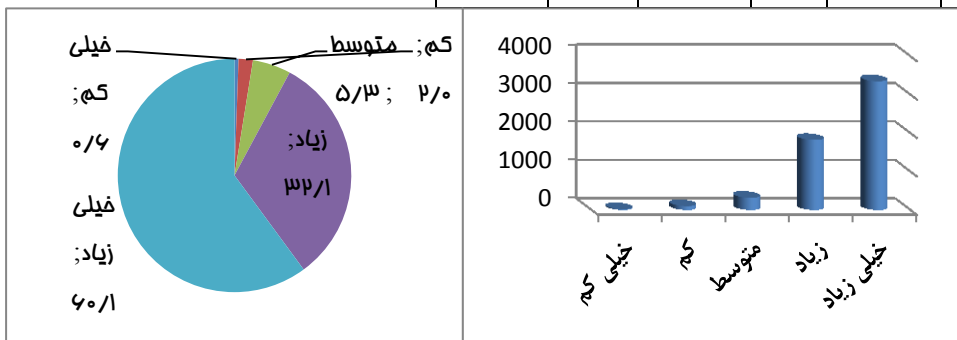
$$Z_{\alpha}=Z_{0.05}=1.96$$

سپس با استفاده از جدول فراوانی داده ها مقدار Z محاسبه می شود.

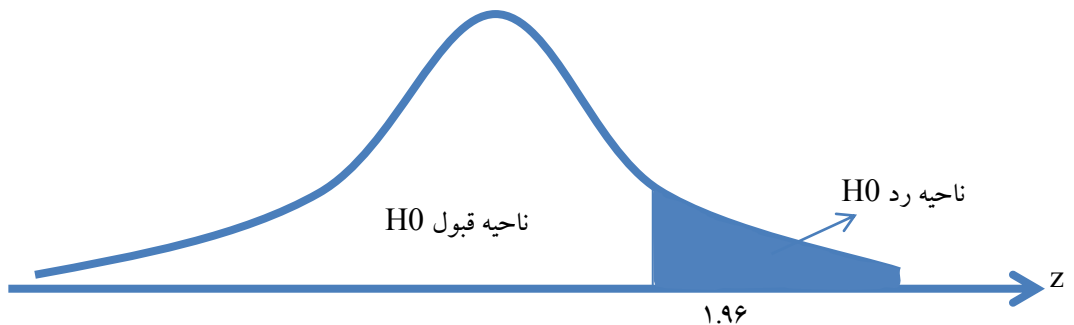
$$Z = \frac{\bar{x} - \mu}{s} = \frac{4.61 - 3}{0.59} = 2.74$$

برآیند پاسخ های مربوط به فرضیه اول:

نتیجه	مقدار Z	انحراف معیار (S)	میانگین پاسخ‌ها	فراوانی پاسخ‌ها					تعداد پاسخ‌ها
				بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
رد فرض H0	۲.۰۹۲۵	۰.۷۱۴۷	۴.۴۹۵۵	۳۳۴۷	۱۸۱۹	۳۱۶	۹۸	۲۰	۵۶۰۰
				٪۶۰.۱	٪۳۲.۱	٪۵.۳	٪۲	٪۰.۶	درصد فراوانی



طبق نمودار زیر مقدار بدست آمده $Z = 2.0925$ بیشتر از مقدار بحرانی 1.96 بوده و در ناحیه رد فرض H_0 قرار می‌گیرد. پس فرض H_0 رد می‌شود یعنی با 95 درصد اطمینان می‌توان ادعا نمود که فرضیه اول مورد قبول واقع می‌شود یعنی مشارکت اجتماعی آگاهانه بر ارتقای سطح امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر شهر تهران) تأثیر دارد.



چون مجذور کای محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی می باشد، آماره آزمون در ناحیه H_1 قرار می گیرد، لذا فرضیه H_0 رد می شود و فرضیه مقابل H_1 تأیید می شود پس می توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد درارتقاء امنیت اجتماعی تأثیر دارد. جدول توزیع و نمودار ترسیم شده نیز مبین و نشان دهنده این مطلب است که ۹۱ درصد از پاسخ دهندگان معتقدند، فرض اول در ارتقاء امنیت اجتماعی مؤثر است.

نتیجه گیری:

این بررسی از وجود رابطه قوی و معناداری بین مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی حکایت دارد. به عبارتی همچنان که سامپسون بیان کرده بود اجتماعی اجتماعی می تواند ارتقاء امنیت اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

وجود مشارکت اجتماعی، فضایی را ایجاد می کند که فرد بتواند با آسودگی خاطر و احساس امنیت به فعالیت و کنش های مفید اجتماعی بپردازد. در صورت فقدان مشارکت اجتماعی، نظم اجتماعی مختل می شود و جریان کنش های اجتماعی دچار مشکل می گردد و فرد قادر نخواهد بود در هیچ یک از ابعاد زندگی اش کنش های دیگران را پیش بینی کند و دائم در این ترس به سر می برد که دیگری که در کنش مقابل با اوست، احتمال دارد به گونه ای عمل کند که به ضررش تمام شود یا اینکه منافعش را به دلیل منافع خود به خطر اندازد. در چنین فضایی علاوه بر اینکه هزینه های افراد در برقراری ارتباط با دیگران افزایش می یابد، فرد با اضطراب و دلهره در کنش های اجتماعی وارد می شود.

همچنین در این پژوهش وجود رابطه بین مشارکت اجتماعی آگاهانه و امنیت اجتماعی تأیید شد. "پاتنام معتقد است که شبکه های مشارکت اجتماعی یکی از اشکال ضروری سرمایه ی اجتماعی می باشند. هرچه این شبکه ها در جامعه ای متراکم تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه های مشارکت مدنی هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می کنند. این هنجارها شبکه های ارتباطی که به کسب حسن شهرت و وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است را تقویت می کند. شبکه های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می بخشند." (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸) بنابراین می توان تصور نمود، افرادی که دست کم برای یک بار با بی نظمی اجتماعی و رفتارهای غیر مدنی مواجه می شوند، بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این رویدادهای

ناخوشایند قرار می گیرند. (برای مثال افرادی که به منزلشان دستبرد زده می شود یا وسیله نقلیه شان به سرقت می رود یا افراد ناشناس به آنها حمله می کنند، یا از طریق دوستان، آشنایان، رسانه های جمعی و ... در جریان این حوادث که برای دیگران اتفاق افتاده است قرار می گیرند) در فکر و رفتارشان تغییر آشکاری ایجاد می گردد؛ از رهگذر چنین حوادث و اتفاقاتی پيله محافظ افراد، پاره شده، ترس و اضطراب در جامعه به وجود می آید.

با توجه به همبستگی مشارکت اجتماعی با تمام مولفه های امنیت اجتماعی و نیز با توجه به اینکه این همبستگی با شاخص های امنیت در سطح متوسط و نیز با امنیت اجتماعی در سطح نسبتاً قوی می باشد. و بعلاوه پایین بودن مشارکت اجتماعی در شهروندان، لزوم توجه به این مسئله را بیشتر می کند. توجه به ارتقا مشارکت اجتماعی با نظارت بیشتر بر نهادهای جامعه و سعی در ارتقا آنها و نیز اعلام عملکرد دستاوردهای آنها می تواند باعث افزایش رقابت و نیز بهبود عملکرد این نهادها شود. از طرفی اطلاع مردم از بهبود عملکرد سازمانها و نهادها به عنوان حامیان مردم که دستیابی به جامعه مدنی را نزدیک می کنند، در افزایش امنیت اجتماعی در تمام ابعاد در جامعه موثر می باشد.

از دیگر نتایج این پژوهش این است که بین نوع جنسیت و احساس امنیت تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین سن و احساس امنیت رابطه مثبتی برقرار است، یعنی هرچه سن شهروندان بیشتر بوده احساس امنیت نیز در آنها بیشتر است. به نظر می رسد افراد هر چه جوانتر هستند بیشتر در معرض تهدیدات (اقتصادی، فکری، اجتماعی، جانی) قرار دارند. این مساله توجه به مساله امنیت برای جوانان به عنوان نسلی که باید چرخ های توسعه را بچرخانند ضروری می نمایاند. همچنین بین تحصیلات و احساس امنیت رابطه معناداری برقرار است که البته این رابطه معکوس است، یعنی با بالا رفتن تحصیلات، احساس ناامنی در شهروندان افزایش می یابد این مساله به دلیل آگاهی بیشتر از مسایل و مشکلات دنیای پیرامون است. هر چه امنیت عینی در جامعه افزایش یابد با توجه به آگاهی تحصیل کرده ها از مسایل دنیای خارج، احساس امنیت در آنها به عنوان آینده سازان مملکت افزایش یافته و کارایی آنها ارتقاء می یابد.

پیشنهادها

برای بهبود امنیت اجتماعی می توان به کمک ارتقاء مشارکت اجتماعی در جامعه به این مهم دست یافت. از مشکلاتی که در این راه باید از میان برداشته شوند می توان به مشکلات فرهنگی، تربیتی و

روانی اشاره کرد. به عبارت دیگر، پایین بودن نسبی مشارکت اجتماعی تعمیم یافته را باید با کار فرهنگی و تربیتی در جامعه اصلاح کرد. باید فرهنگ تعهد و مسئولیت پذیری در جامعه را نهادینه کرد. و همچنین باید منفعت طلبی شخصی را به سوی منفعت طلبی گروهی و ملی کشاند. از این طریق می توان به تدریج به ارتقاء مشارکت اجتماعی تعمیم یافته دست یابید. و پس از احساس امنیت همچنین باید تدابیری اندیشید که هر کار گزاری عملکرد خود را بهبود بخشد. با توجه به همبستگی قوی مشارکت اجتماعی آگاهانه و امنیت اجتماعی، توجه به این مسئله اهمیت دو چندان می یابد. مسائلی چون اختلاس، رانت خواری و زدو بندهای مالی، اداری و سیاسی از جمله جرایم نرم افزاری هستند که بر احساس امنیت بسیار تاثیر مخربی می گذارند. نهادهای برقرار کننده نظم همچون: پلیس، دادگستری علاوه بر اینکه می توانند با بهبود عملکرد خود به ارتقاء مشارکت اجتماعی کمک کنند بهتر است با کار فرهنگی در زمینه پیشگیری از جرایم، هزینه های اجتماعی ناشی از درمان و کیفر را کاهش دهند.

منابع و مآخذ

- از کیا. مصطفی؛ غفاری. غلامرضا؛ (۱۳۸۰)، " بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی شهر کاشان"، تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)؛ «ساختار اجتماعی امنیت؛ مطالعه موردی ج.ا.ا»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره ۱، تهران، انتشارات گل پونه.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۸)، "بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن" (مطالعه موردی شهر تهران)، فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره اول (www.ispa.ir).
- باجایی، کانتی. (۱۳۸۴)، امنیت انسانی: مفهوم و سنجش، تالیف و ترجمه: صابر شیانی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات. چاپ اول.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷)، "تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی"، دو فصلنامه علوم اجتماعی (نامه علوم اجتماعی)، تهران: دانشگاه تهران شماره ۳۵.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۸)، جامعه شناسی احساس امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰)، دموکراس و سنتهای، مترجم: دلفروز، محمد تقی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.
- جعفری، روح الله. (۱۳۸۶)، " سرمایه اجتماعی رهیافتی به دلیل برای تبیین امنیت اجتماعی". فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دهم، (شماره دوم جدید).
- چلبی، مسعود. (۱۳۵۷)، جامعه شناسی نظم، تهران نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳)، چارچوب مفهومی پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: انتشارات طرح‌های ملی.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴)، "ساخت و هنجاریابی شاخص‌های احساس امنیت در تهران"، مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نی.

- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۵)، "ابعاد و کارکرد های سرمایه ی اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن" چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، "سرمایه ی اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری"، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی.
- صمدی بگه جان، جمیل (۱۳۸۴)، "امنیت اجتماعی در شهر سندج". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران."
- علوی، سید بابک (۱۳۸۰)، نقش سرمایه ی اجتماعی در توسعه"، ماهنامه تدبیر سال دوازدهم، ش ۱۱۶.
- گیدنز آنتونی (۱۳۷۷)، پیامد های مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم تهران: نشر نی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات
- محسن تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵) "بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی"، نامه پژوهش، ش ۱.
- مک لاین، رابرت دی / لئیل، ریچارد (۱۳۸۰)، "امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها" ترجمه: اصغر افتخاری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردک منابع انسانی و روابط کار، تهران. انتشارات میر، چاپ بیست و سوم.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «درآمدی نظری بر امنیت جامعه ای؛ مفاهیم، مؤلفه ها و نظریه ها»، تهران، نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۲)، "چند گانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی"، فصلنامه امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم.
- نوید نیا، منیژه. (۱۳۸۵)، "گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی" فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهارم و پنجم.